

# دوم خرداد، اپوزیسیون پرو رژیم و مانیفست جمهوری خواهی گنجی

محمد شکوهی

mshokohi@web.de

اخیرا انتشار کتاب اکبر گنجی تحت عنوان "مانیفست جمهوری خواهی" مباحثی را در سطح جامعه ایران و به طبع آن در طیف مختلف اپوزیسیون دوی خردادی داخل و خارج حکومت به راه انداخته است. اپوزیسیون طرفدار رژیم بویژه هواداران دو خردادی اش نظیر جمهوری خواهان ملی، نیروهای ملی مذهبی مقیم اروپا، طیف های مختلف دار و دسته های اکثریت و توده ای ها، تا خیل سوسیال دموکراتهای خواهان "عرفی کردن دین" هر کدام بسته به دایره نفوذ و حیطه کار و فعالیت شان اندر باب این نوشته به تجزیه و تحلیل "تزه های" مطرح شده از طرف نویسنده در این نوشته پرداخته اند. کسانی نظیر علی کشتگر که گویا می خواسته اسم مطلبش را "مانیفست اتحاد برای جمهوری خواهی" بگذارد، منصرف شده چرا که جناب گنجی کتاب مانیفست جمهوری خواهی اش را به تازه گی بیرون داده و ایشان درست ندانسته کلمه مانیفست را در نوشته اش به کار ببرد. جریانات وابسته به حزب توده طبق سنت پایدار و قدیمی اشان این اعمال و حرکات را "چپ روی و ضربه زدن به جنبش ضد استبدادی مردم میهنشان" دانسته و بر آن اخ و تف می اندازند. اپوزیسیون دوی خردادی رژیم که بیش از دو دهه منتظر "ظهور طلایه داران اصلاح طلبان حکومتی" بوده و در هیبت و قامت خاتمی به خصوص طی پنج سال گذشته تنها شانس و رمز بقای خود را حمایت از خاتمی و جلوگیری از "افراط و تفریط در برخورد به جبهه اصلاحات" و حمایت قاطع از دوی خرداد، آرمانهای رشد و توسعه سیاسی و جامعه مدنی اش را دیده و دوباره جان تازه ای گرفته بودند، بسته بود، با شنیدن خبر انتشار کتاب گنجی غافلگیر شده و در لاک خود رفته اند. کتاب گنجی اگر هیچ حسنی نداشته باشد، لاقل این یک حسن را داشته که به عنوان کسی که از درون رژیم بر آمده و از عناصر اصلی شکل دهنده حکومت مخوفی چون جمهوری اسلامی بوده و در تمام ۲۳ گذشته در سنگر "دفاع از انقلاب و ارزشهای انقلاب اسلامی" قرار داشته و برایش جنگیده و خون ریخته است، امروز و در این مرحله به نقد حکومت اسلامی و از قضا کل اصلاحات پرداخته و اصلاح رژیم را عبث و بیهوده دانسته، تمامی این دار و دسته ها را دچار یک گنجی نه فقط سیاسی کرده، بلکه می رود که تبدیل به یک بحران هویتی برایشان بشود. از نظر این جماعت آخر هر چه باشد اصلاح طلبان ملی مذهبی بوده، با تحمل مشقات فراوان در طول دو دهه گذشته و زیر فشار سنگین جناح راست مشغول طراحی "رفرم و اصلاحات" بوده اند، برایش امثال نهضت آزادی به زندان رفته اند، در جریان قتل های زنجیره ای قربانی داده اند، با در دست داشتن شمع و به عنوان یک اقدام سمبولیک در میدان محسنی تهران در دفاع از "روزنامه نگاران و دگر اندیشان و برای تثبیت مردم سالاری دینی شان" با کسب اجازه از وزارت کشور هر پنجشنبه تجمع کرده اند، در تمامی افت و

خیزهای "جنبش دوم خرداد" در کنار این جنبش شان بوده، با اشک خاتمی همراه گل یاسش برایش گریسته و با لبخند آن شاد شده اند، بیش از یک صد سال است که منتظر ظهور آخوند روشن ضمیر و باسواد و از ثلاله روحانیت مترقی بوده اند، در جریان شکل گیری بربریت اسلامی و سازماندهی سرکوب و ترور مردم به "دفاع از حکومت مردمی در برابر حملات "ضد انقلاب" پرداخته، برایش زندان، شکنجه گاه و قتل عام دشمنان انقلاب اسلامی را سازمان داده ند، در جریان کنفرانس برلین که گنجی نیز در آن شرکت کرده بود، در دفاع از " روزنامه نگار جسور و تئورسین اسلام مدرنیزه شده" در برابر اعتراضات کمونیستها برایش کف زده و در تلاش برای فشردن دستان خونی امثال گنجی در دستشویی های خانه فرهنگ های جهان برلین و برای ابراز حمایت و پشتیبانی از وی دنبال وی می گشتندو. . .

امروز با تمامی مجاهدتهای این اپوزیسیون خارج حکومت در کسب آبرو و حیثیت برای پروژه اصلاحات حکومتی کسی چون گنجی که امید و راهنمای اصلاحاتشان بوده، و ذره ای در دفاع از اصلاحات این چینی کوتاه نیامده، و در یک چرخش جدی و اساسی به نقد کلیت سیستم جمهوری اسلامی با پروژه اصلاحاتش می پردازد، این یکی دیگر برای این اپوزیسیون یک شوک بوده و هنوز هم که هنوز است از این اقدام وی شوکه می باشند. مانیفست جمهوری خواهی گنجی خط بطلان کشیدن به تمامی ادعاهای اصلاح حکومت اسلامی در میان هواداران خارج حکومت رژیم هم بوده و بدین ترتیب زیر پای این جماعت خالی شده و فعلا صلاح را در سکوت دیده اند، و به احتمال زیاد چرخش های اصلی در آینده در صف این طیف روی خواهد داد. چرخش هایی که بریدن از امثال گنجی و نظریاتش فقط شروع آن خواهد بود و پیوستنشان به طیف راست پرو غرب برای جلوگیری از "خشنونت" و انقلاب مردم و در نهایت دور زدن مردم و همنوایی و همسویی با بخش های "معتدل دوی خرداد و شخص خاتمی سرفصل دیگری از تلاش های این جریانات برای نجات رژیم خواهد بود.. عده ایی به زیر پرچم جمهوری خواهی گنجی رفته چرا که خود گنجی کل پروسه اصلاحات به خصوص اصلاح " نظام ایدئولوژیکی" نظیر جمهوری اسلامی را عبث دانسته و معتقد است که تنها راه فراندوم و البته " در چهارچوب قانونی" آن می باشد، بوده و دیگر کسی برای داعیه های اصلاح طلبی رژیم و دوی خرداد تره هم خرد نمی کند. مانیفست جمهوری خواهی گنجی چیزی جز مانیفست شکست خوردگان نبوده و نیست. با انتشار آن کلیت دار و دسته های اصلاح طلب تلاش کرده و خواهند کرد تا وفاداری شان را به خاتمی و اصلاحاتش به درجه نقد و طرد کسانی چون گنجی گره زده و مورد ارزیابی قرارش خواهند داد. در درون جماعت دوی خردادی و در میان نظریه پردازان اصلی این دار و دسته ها اختلافات و کشمکش های جدی حول و حوش چگونگی برخورد به گنجی و نوشته او در جریان می باشد. طیف های مختلف دوی خردادی رژیم علیرغم سکوتشان در این مورد و اظهار نظر نکردنشان در مورد مانیفست گنجی اینجا و آنجا و در میان سایر مباحثی که در مصاحبه هایشان اخیرا انجام داده اند به نقد و ارزیابی از کتاب گنجی پرداخته اند. عده ای چون جلالی پورو علوی تبار به عنوان دو چهره شاخص دوی خردادی آن را واقعی ندانسته و باعث " ضربه زدن" به اصلاحات و ایجاد و تقویت چند دستگی به خصوص در این شرایط حساس دانسته و خواهان طرد این نظریات شده اند. طیف دیگر از این جماعت که تز " خروج از حاکمیت" را از نزدیک به یک سال پیش مطرح کرده اند و در میان آنان کسانی چون نبوی، عبدی، آرمین، تاجزاده، اخیرا سروش، آغاچری فعلا صلاح را در این دیده اند که به این مباحث نپردازند. چرا که از نظر ایشان کلیت جبهه

اصلاح طلبان در آستانه یک امر حیاتی قرار گرفته و بهتر است کل توان و انرژی اصلاح طلبان صرف "تحمیل" لوایح ارائه شده از طرف خاتمی به مجلس به خصوص "لایحه افزایش اختیارات خاتمی" کرده و از پرداختن به "مباحث منحرف کننده" که ضربه به اصلاحات زده و جناح راست را تقویت می نماید، خودداری نمایند. مانیفست جمهوری خواهی گنجی آب سردی بود که بر شعله های رو به خاموشی آتش اصلاحات حکومتی و هوادارانش ریخته شد. اعترافات گنجی و بیان گوشه ای از واقعیات تاریخ معاصر ایران از طرف دیگر بیانگر وضعیت بی نهایت بحرانی و بی افقی کامل کل دم و دستگاه حکومتی از اصلاح طلب تا باندهای رنگارنگش می باشد. گنجی با این کتاب پرونده اصلاح طلبی حکومتی و پوچ بودن اصلاح رژیم نه فقط مجبور شده به اش اعتراف بکند، بلکه در صدد بر آمده تا آلترناتیو مورد نظر خودش را برای جایگزینی جمهوری اسلامی نیز که از نظر وی فرزندوم می باشد، اثبات کرده است. اینکه فرزندوم مورد نظر گنجی چه از آب در خواهد آمد امری ثانوی می باشد. مهمتر از همه اعترافات و اعلام شکست پروژه حکومت دینی و بی ثمر بودن اصلاح رژیم می باشد. آنچه گنجی بعد از بیست سال تازه به اش رسیده و اینکه مردم ایران جمهوری اسلامی از هر نوعش را نمی خواهند، بخش عظیم یک مبارزه طولانی بر علیه ارتجاع اسلامی و برای رهایی از نکبت حکومت اسلامی می باشد که مردم ایران از بدو سرکار آمدن جانیان اسلامی برای تحقق اش مبارزه کرده و می کنند. تنها فرق شاید در این باشد که گنجی تا دیروز جزیی از حکومت بوده و امروز به نقد آنچه که خودش در ساخت و پرداختش سهیم بوده را به زیر سوال می برد، بیانگر فشار رادیکالیسم و مبارزات ضد مذهبی مردم ایران بوده که گنجی و امثال گنجی جرات کرده با ترس و لرز این غول خفته را نشان یک دیگر داده و برای در خواب نگه داشتنش دارند نقشه می کشند. این یک امر کاملاً طبیعی است که در جریان و پروسه فروپاشی حکومت های دیکتاتوری و سرکوبگر بخش هایی از نیروهای حکومتی که تقلاها و تلاش هایشان برای نجات رژیم به جایی نمی رسد و از طرف دیگر توان حکومت کردن از حاکمان گرفته می شود و شکاف و چند دستگی بین حکومتیان افتاده و بخش هایی و لو حداقل آن ریزش کرده و به ناچار در صف مردم تعرض کننده به صاحبان قدرت رانده می شوند. در این میان اپوزیسیون هوادار رژیم و اصلاحات حکومتی بدون شک برای دوره ای به لاک خود خواهند رفت. رادیکالیسم و مبارزه برای سرنگونی رژیم دوباره به راس مبارزات مردم بر علیه رژیم رانده شده و فضا و جو ضد رژیمی به خصوص در خارج کشور تقویت خواهد شد. پرداختن با تمامی مباحث مطرح شده در کتاب گنجی در این مختصر میسر نیست و این کار نوشته های بعدی خواهد بود. ولی یک نکته مسلم است پرچمی که گنجی می خواهد بلند کند، اشتباهها در دست ایشان قرار گرفته. سرکوب و ترور جمهوری اسلامی و نبود آزادی فعالیت سیاسی از یک طرف و گسترش مبارزات ضد مذهبی و سکولاریستی مردم ایران از طرف دیگر در یک چنین شرایطی به امثال گنجی این امکان و فرصت را داده تا خودشان را صاحب این پرچم بدانند. این پرچم در دست نیروهای چپ به خصوص حزب کمونیست کارگری قرار دارد که شرایط خفقان و سرکوب تروریستهای اسلامی در ایران امکان بروز علنی و به میدان آمدنش را ازش گرفته. با تسریع روند فروپاشی رژیم و گسترش مبارزات رادیکال مردم و با نزدیکی سرنگونی رژیم این پرچم با صاحبان واقعی اش و در دست میلیونها انسان به اهتزاز در خواهد آمد. گنجی تنها دستی پیش گرفته تا پس نیفتد.

